

رابطه بین سبک‌های دلبستگی ناایمن و بی‌ثباتی ازدواج: نقش میانجی هم‌وابستگی و تحریف شناختی

The Relationship between Insecure Attachment Styles and Marital Instability: The Mediating Role of Codependence and Cognitive Distortion

Zahra Naderi-Nobandegani, PhD[✉]

Negin Baghaei, MSc

Razieh Sadat Ahmadi, MSc

زهره نادری نوبندگانی^۱نگین بقایی^۲راضیه سادات احمدی^۳

Abstract

Marriage, as an important decision to form a family, can move towards disintegration and instability under the influence of various factors. Due to the importance of this issue, the aim of this study was to investigate the mediating role of codependency and cognitive distortions in the relationship between insecure attachment styles and marital instability in married individuals. The method of this study was correlation using path analysis. The research population included all married individuals in Yazd in 1400, from which 270 married individuals (207 women and 63 men) were selected by convenience sampling and participated in the study by completing the Marital Instability Questionnaire (Edwards, Johnson, & Booth, 1987), the Adult Attachment Style Questionnaire (Collins & Reed, 1994), the Holyoke Codependency Scale (Deer & Roberts, 2000), and the Cognitive Distortions Questionnaire (Abdollahzadeh & Salar, 2010). The data were analyzed using Amos 24 and SPSS 23 software. The findings showed that the direct path of avoidant attachment style to cognitive distortion and cognitive distortion to marital instability was insignificant, and the path of anxious attachment style to cognitive distortion ($\beta = -0.23$, $p < 0.001$), the path of anxious attachment style to codependency ($\beta = 0.43$, $p < 0.001$) and marital instability ($\beta = 0.26$, $p < 0.001$), the path of avoidant attachment style to codependency ($\beta = 0.16$, $p < 0.007$) and codependency to marital instability ($\beta = 0.19$, $p < 0.01$) was significant, and the path of codependency to cognitive distortion ($\beta = 0.47$, $p < 0.001$) was also significant. Therefore, it can be concluded that the codependency construct in people with avoidant and anxious attachment styles is an effective factor in the instability of their marital relationship, and it is necessary for couples and couple therapists to pay sufficient attention to this issue.

Keywords: Attachment Styles, Marital Instability, Cognitive Distortion, Codependency.

چکیده

ازدواج به‌عنوان یک تصمیم مهم در جهت تشکیل خانواده می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلف به‌سمت از هم پاشیدگی و بی‌ثباتی حرکت کند. به‌واسطه اهمیت این موضوع هدف این پژوهش تعیین نقش میانجی هم‌وابستگی و تحریف شناختی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی ناایمن و بی‌ثباتی ازدواج در افراد متأهل بود. روش این پژوهش همبستگی با استفاده از تحلیل مسیر بود. جامعه پژوهش شامل تمام افراد متأهل شهر یزد در سال ۱۴۰۰ بودند که از میان آنها ۲۷۰ فرد متأهل (۲۰۷ زن و ۶۳ مرد) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و با تکمیل شاخص بی‌ثباتی ازدواج (ادواردز و همکاران، ۱۹۸۷)، مقیاس سبک‌دلبستگی بزرگسال (کولینز و رید، ۱۹۹۴)، شاخص هم‌وابستگی هالیوک (دیر و رابرتس، ۲۰۰۰) و پرسشنامه تحریف‌های شناختی (عبدالله‌زاده و سالار، ۱۳۸۹) در پژوهش شرکت کردند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای Amos 24 و SPSS 23 تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان دادند، مسیر مستقیم سبک دلبستگی اجتنابی به تحریف شناختی و تحریف شناختی به بی‌ثباتی ازدواج غیرمعنادار و مسیر سبک دلبستگی اضطرابی به تحریف شناختی ($\beta = -0.23$, $p < 0.001$)، مسیر سبک دلبستگی اضطرابی به هم‌وابستگی ($\beta = 0.43$, $p < 0.001$) و بی‌ثباتی ازدواج ($\beta = 0.26$, $p < 0.001$)، مسیر سبک دلبستگی اجتنابی به هم‌وابستگی ($\beta = 0.16$, $p < 0.007$) و هم‌وابستگی به بی‌ثباتی ازدواج ($\beta = 0.19$, $p < 0.01$) معنادار و همچنین مسیر هم‌وابستگی به تحریف شناختی ($\beta = 0.47$, $p < 0.001$) نیز معنادار بود. می‌توان نتیجه‌گرفت، سازه هم‌وابستگی در افرادی که دارای سبک‌دلبستگی اجتنابی و اضطرابی هستند عاملی مؤثر در بی‌ثبات‌شدن رابطه زوجی آنها است و لازم است زوجین و همچنین زوج‌درمانگران به این مهم توجه کافی داشته باشند.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های دلبستگی، بی‌ثباتی ازدواج، تحریف شناختی، هم‌وابستگی.

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۱/۲۹ تصویب نهایی: ۱۴۰۴/۶/۲۳

۱. گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

۳. مشاور واحد آموزشی، اصفهان، ایران.

● مقدمه

بی‌ثباتی زناشویی به‌عنوان یک نگرانی فزاینده در جامعه معاصر، ارتباط مستقیمی با جدایی و طلاق دارد (مالکاهی و همکاران، ۲۰۲۱) و می‌تواند به مراتب استرس‌زاتر از نارضایتی زناشویی باشد (کروتزر و همکاران، ۲۰۱۶). این سازه تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله عوامل درون‌فردی و بین‌فردی قرار دارد که از مهم‌ترین آنها، دل‌بستگی است. واکنش‌های افراد به موقعیت‌ها می‌تواند به سبک دل‌بستگی آنها ارتباط داشته باشد. سازه دل‌بستگی برای نخستین بار توسط بالبی (۱۹۶۹) معرفی شد و به‌عنوان پیوند عاطفی بین افراد شناخته می‌شود، به‌طوری‌که هر فرد برای برطرف کردن نیازهای اساسی و عاطفی خود به دیگری تکیه می‌کند. در این راستا، شخصی که به او تعلق خاطر احساس می‌شود، می‌تواند در موقعیت‌های استرس‌زا آرامش‌بخش باشد.

سبک‌های دل‌بستگی شیوه‌های عمیق تعامل اجتماعی هستند و عمدتاً به دو دسته ایمن و نایمن تقسیم می‌شوند (کرون و همکاران، ۲۰۱۹ و شهزاد و همکاران، ۲۰۲۴). نمود این سبک‌ها در دوره بزرگسالی با دوران کودکی متفاوت است. میکولینسر و شیور (۲۰۱۶) معتقدند که زوج‌های دارای سبک دل‌بستگی ایمن از طریق پاسخ‌دهی قابل اعتماد و به‌موقع و کاهش پریشانی در زمان‌های آشفتگی، اعتماد تدریجی به یکدیگر پیدا می‌کنند و نسبت به یکدیگر وابسته‌تر می‌شوند (اورال و همکاران، ۲۰۲۲). درمقابل، به‌نظر می‌رسد زوج‌هایی با سبک دل‌بستگی نایمن با کمبود اعتماد، اجتناب از رابطه، تردید و تعارض و سردرگمی زیاد در حل مشکلات مواجه هستند (عبدل‌گابری و همکاران، ۲۰۲۵).

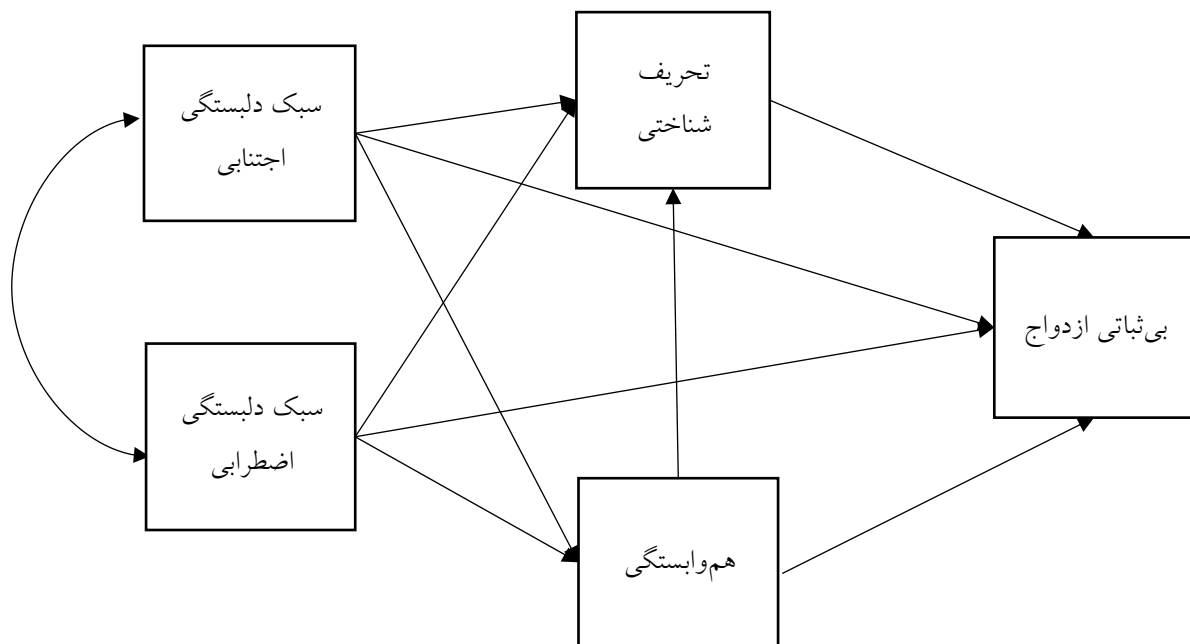
هازن و شیور (۱۹۸۷) دو سبک دل‌بستگی نایمن، یعنی اضطرابی و اجتنابی را معرفی کردند. در افراد دارای سبک دل‌بستگی اضطرابی، ترس از طردشدن و نیاز به اطمینان‌جویی از شریک عاطفی به وضوح مشهود است. این نیازها معمولاً در زمان تهدید پیوند زناشویی به‌وسیله رویدادهای جاری فعال می‌شوند (سیمسون و رولز، ۲۰۱۷). ازسوی دیگر، افراد با سبک دل‌بستگی اجتنابی به شرکای خود اعتماد ندارند و از تکیه به آنها برای عشق و حمایت احساس راحتی نمی‌کنند و به‌طور معمول تلاش می‌کنند نیازهای دل‌بستگی خود را سرکوب و محدود کنند (اورال و همکاران، ۲۰۲۲). علاوه‌بر تأکیده‌های نظریه‌های دل‌بستگی، نتایج پژوهش‌های تجربی نیز نشان‌دهنده ارتباط معنادار بین سبک دل‌بستگی و روابط زناشویی هستند (فخری و همکاران، ۱۳۹۷؛ چیس و همکاران، ۲۰۲۲؛ اجسی و جنکوز، ۲۰۱۱؛ بانسی، ۲۰۰۴)، به‌علاوه، نتایج پژوهش کنیز و همکاران (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که سبک‌های دل‌بستگی نایمن (اضطرابی و اجتنابی) اثرات منفی بر روابط عاشقانه دارند؛ با این حال، دل‌بستگی اضطرابی به‌طور خاص با کیفیت پایین‌تری در روابط عاشقانه همراه است.

تحریف‌های شناختی نیز از دیگر عوامل مؤثر بر بی‌ثباتی ازدواج به‌شمار می‌روند. بی‌ثباتی ازدواج در سه حالت شناختی، عاطفی و رفتاری تجلی می‌یابد و معمولاً ابتدا به‌صورت افکار مربوط به جدایی یا ذهنیت طلاق خود را نشان می‌دهد. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که متغیرهای شناختی در مرحله اول بر استحکام ازدواج تأثیر بگذارند و به‌طور مؤثرتری در چرخه تولید بی‌ثباتی ازدواج وارد شوند و آن را تحت تأثیر قرار دهند. به‌عبارت دیگر، تغییرات در الگوهای تفکر و برداشت‌های شناختی می‌توانند به تضعیف پایه‌های ازدواج منجر شوند و زمینه‌ساز بی‌ثباتی و ناپایداری در روابط زناشویی و افکار منفی نسبت به خود و دیگران شود (ریحانی و همکاران، ۱۳۹۵؛ شیمشک و همکاران، ۲۰۲۱). درواقع اسنادها و جهت‌گیری‌های فکری که افراد نسبت به اتفاقات زندگی زناشویی دارند به تجربیات و شناخت‌های گذشته آنها برمی‌گردد و به‌عنوان مجموعه‌ای از شناخت‌ها روی کیفیت رابطه زناشویی تأثیر می‌گذارد (شیری و همکاران، ۱۴۰۳). لذا یکی از علل تعارض بین زوجین این است که هریک از طرفین تمایل دارند مطابق با ترجیحات خود به روشی خاص فکر و رفتار کنند و این انتظارات می‌تواند به سوءتفاهم، اختلاف نظر و ناامیدی در رابطه منجر شود (گویی، ۲۰۲۲). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که باورها و نگرش‌های ناکارآمد می‌توانند به تفسیر منفی موقعیت‌های خاص و کاهش رضایت زناشویی منجر شوند (پوراسماعیلی نجف‌آبادی، علی‌بیگی و اسکندرینیا، ۲۰۲۱؛ مهدوی و حاتمیان، ۱۳۹۷؛ غائبی‌پناه و کشاورزی، ۱۳۹۹؛ آیدین و آک‌گون، ۲۰۲۱؛ قاسمی و همکاران، ۲۰۲۱).

هم‌وابستگی نگرشی خاص و تا حد زیادی پایدار است که ادراک و رفتار فرد را در رابطه با دیگران تعیین می‌کند و نقش به‌سزایی در میزان رضایت از زندگی زوجین دارد (هپ و همکاران، ۲۰۲۲). هم‌وابستگی یکی از ویژگی‌های خانواده‌های ناکارآمد است که تحت تأثیر تجربه منفی ناشی از روابط ناسالم با افراد مهم شکل می‌گیرد (کلونا و همکاران، ۲۰۲۴) و با بی‌توجهی به خود و تمرکز بیش از حد

بر دیگران، ناتوانی در بیان صریح احساسات و کسب رضایت مطلوب از روابط با دیگران همراه است. این ویژگی‌ها می‌توانند به طیف وسیعی از مشکلات در روابط منجر شوند (اربن و همکاران، ۲۰۲۱ و دیر و همکاران، ۲۰۰۵). کاپلان (۲۰۲۳) دریافت که زنان با میزان هم‌وابستگی بالاتر دارای آسیب‌های روان‌شناختی بیشتری نظیر اضطراب، احساس تنهایی و افسردگی در روابط خود هستند. پژوهش‌ها همچنین نشان داده‌اند که بین هم‌وابستگی و سبک دلبستگی افراد، روابط معناداری وجود دارد. افراد با سبک‌های دلبستگی نایمن نسبت به افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، هم‌وابستگی بالاتری را در رابطه عاطفی خود تجربه می‌کنند، به‌ویژه در افرادی که دارای سبک دلبستگی اضطرابی هستند (شاهپرونیان، ۲۰۲۲؛ چنج و بات، ۲۰۲۲). به‌علاوه، سبک‌های دلبستگی نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا نیز رابطه مثبت معناداری با هم‌وابستگی نشان داده‌اند (فرشام و همکاران، ۱۳۹۳) و افراد دارای این سبک‌ها معمولاً رضایت کمتری از رابطه عاطفی خود دارند (کلینز، ۲۰۲۳).

به‌طور کلی در رابطه با مدل طراحی شده برای پژوهش حاضر می‌توان گفت براساس نظریه دلبستگی بالبی تجارب اولیه با مراقبان، الگوهای درونی خود و دیگران را شکل می‌دهد و در بزرگسالی به‌صورت سبک‌های دلبستگی نایمن بروز می‌کند (بالبی، ۱۹۸۰ و میکولینسر و شاور، ۲۰۰۷). این الگوهای دلبستگی نایمن، از طریق فعال‌سازی تحریف‌های شناختی - مانند ذهن‌خوانی، فاجعه‌سازی و تعمیم افراطی درباره خود، همسر و آینده رابطه - ادراک منفی‌تری از تعارض ایجاد می‌کنند و احتمال برداشت‌های بدبینانه از رفتار همسر و تضعیف احساس امنیت در ازدواج را افزایش می‌دهند (بک، ۱۹۷۶ و باکوم و همکاران، ۱۹۸۹). در چنین بستری، هم‌وابستگی به‌عنوان الگوی رابطه‌ای ناسازگار شکل می‌گیرد که در آن فرد مرزهای شخصی را نادیده گرفته، ارزشمندی خود را به تأیید همسر گره می‌زند و به‌جای تنظیم هیجان مستقل، به کنترل یا مراقبت افراطی از طرف مقابل روی می‌آورد (سرماک، ۱۹۸۶ و دیر و همکاران، ۲۰۰۴). ترکیب دلبستگی نایمن، تحریف‌های شناختی و هم‌وابستگی، با تضعیف اعتماد متقابل، کاهش تعهد و تقویت افکار مربوط به جدایی یا طلاق، ادراک بی‌ثباتی ازدواج را بالا می‌برد و فرد، ازدواج خود را به‌صورت رابطه‌ای پرخطر و در معرض گسست تجربه می‌کند (ویتون و همکاران، ۲۰۰۷ و بوث و همکاران، ۱۹۸۳)؛ روابط فرض‌شده در مدل پژوهش حاضر، همین زنجیره تأثیرات را از سبک‌های دلبستگی تا بی‌ثباتی ازدواج به‌صورت یکپارچه تبیین می‌کند. باید به این نکته مهم توجه داشت که اگرچه رابطه مستقیم دلبستگی و بی‌ثباتی مشخص شده، اما سازکارهای روانی و هیجانی مانند هم‌وابستگی و تحریف‌های شناختی که این رابطه را میانجی‌گری می‌کنند، کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ بنابراین، این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا هم‌وابستگی و تحریف‌های شناختی می‌توانند در رابطه بین سبک‌های دلبستگی نایمن و بی‌ثباتی ازدواج نقش میانجی ایفا کنند؟



نمودار ۱. مدل مفهومی روابط بین متغیرهای پژوهش

• روش

روش اجرای پژوهش حاضر از نوع همبستگی و مبتن بر تحلیل مسیر بود. جامعه آماری شامل تمامی افراد متأهل شهر یزد در سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ بود. از این جامعه، براساس جدول کوکران ۲۷۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه‌ها از طریق لینکی که در فضای مجازی در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت، تکمیل گردید. معیارهای ورود به پژوهش شامل این موارد بود: متأهل بودن، زندگی مشترک زیر یک سقف با همسر، گذشتن حداقل یک‌سال از آغاز زندگی مشترک و تمایل به شرکت در پژوهش که این موارد در قالب توضیحات موجود در لینک ارسالی به شرکت‌کنندگان ارائه شد. معیارهای خروج نیز شامل: انصراف از همکاری و نبود تکمیل حداقل دو درصد از سؤالات هریک از پرسشنامه‌ها بود. روند اجرای پژوهش به این شکل بود که در لینک ارسالی، توضیحات لازم درباره هدف پژوهش، محرمانه بودن نتایج و شرایط لازم برای ورود به پژوهش ارائه شد. درنهایت از شرکت‌کنندگان خواسته شد در صورت تمایل، پرسشنامه‌ها را تکمیل کنند. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی شامل همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر استفاده شد. تحلیل داده‌ها با کمک نرم‌افزارهای آماری SPSS 23 و AMOS 23 انجام گرفت.

• ابزارها

الف) شاخص بی‌ثباتی ازدواج (marital instability index-MII): شاخص بی‌ثباتی ازدواج یک ابزار ۱۴ ماده‌ای است که توسط ادواردز و همکاران (۱۹۸۷) برای ارزیابی نبود ثبات زناشویی و احتمال طلاق طراحی شده است. این شاخص با دو گزینه صفر (خیر) و یک (بله) نمره‌گذاری می‌شود. بنابراین نمرات این شاخص در دامنه ۰ تا ۱۴ قرار می‌گیرند. بر این اساس نمره پایین شاخص بی‌ثباتی ازدواج نشان‌دهنده ثبات بیشتر در زندگی زناشویی است، درحالی‌که نمره بالا بیانگر افزایش بی‌ثباتی است. روایی این شاخص در تحقیقات متعدد تأیید شده و همبستگی مثبت آن با مقیاس‌های مربوط به مشکلات و اختلافات زناشویی و همبستگی منفی آن با مقیاس‌های مرتبط با تعامل و خرسندی زناشویی مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین اعتبار این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش شده است (ثنائی، ۱۳۸۷).

ب) مقیاس سبک‌دلبستگی بزرگسال کولینز و رید (revised adult attachment scale- RAAS): برای سنجش سبک‌های دلبستگی، از مقیاس ۱۸ ماده‌ای سبک‌های دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۴) استفاده شد. این ابزار در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از ۰ (کاملاً مخالفم) تا ۴ (کاملاً موافقم) قرار دارد. این ابزار شامل سه زیرمقیاس است: وابستگی (نشان‌دهنده میزان اطمینان و تکیه آزمودنی به دیگران)، نزدیکی (نشان‌دهنده میزان صمیمیت و نزدیکی عاطفی آزمودنی با دیگران) و اضطراب (نشان‌دهنده نگرانی فرد از طردشدن). به هر یک از زیرمقیاس‌ها ۶ ماده اختصاص یافته است. براساس نتایج به‌دست آمده، آزمودنی‌ها در یکی از سه گروه دارای سبک دلبستگی: ایمن، اضطرابی و اجتنابی قرار می‌گیرند. در این پژوهش، فقط از دو خرده‌مقیاس اضطرابی و اجتنابی استفاده شد و خرده‌مقیاس نزدیکی (ایمن) مورد محاسبه قرار نگرفت. در تحقیقات مختلف، ضریب اعتبار بازآزمایی این آزمون برای هر یک از سه زیرمقیاس نزدیکی، وابستگی و اضطراب به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۱ و ۰/۵۲ گزارش شده است (نانسی کولینز و استیون رید، ۱۹۹۰). کولینز و رید (۱۹۹۴) نشان دادند که زیرمقیاس‌های نزدیکی (C)، وابستگی (D) و اضطراب (A) در فاصله زمانی ۲ تا ۸ ماه پایدار مانده و آلفای کرونباخ در تمامی زیرمقیاس‌ها برابر یا بیشتر از ۰/۸۰ بوده است. در ایران نیز اعتبار با روش بازآزمون ۰/۹۵ و مقدار آلفای کرونباخ برای تمامی زیرمقیاس‌ها برابر یا بیشتر از ۰/۸۰ به‌دست آمد (پاکدامن، ۱۳۸۳). در این پژوهش، اعتبار با روش آلفای کرونباخ برای دلبستگی اضطرابی ۰/۸۰ و دلبستگی اجتنابی ۰/۶۲ به‌دست آمد.

ج) شاخص هم‌وابستگی هالیوک (Holyoake codependency index- HCI): شاخص هم‌وابستگی هالیوک اولین بار توسط دیر و رابرتس (۲۰۰۰) برای اندازه‌گیری ویژگی‌های هم‌وابستگی طراحی شد. این شاخص شامل ۱۳ ماده و ۳ زیرمقیاس از خودگذشتگی (تمایل به توجه به نیازهای دیگران بیش از نیازهای خود)، تمرکز بر خارج از خود (تمایل به توجه به نوع ادراک دیگران از خود و نیاز به تأیید دیگران) و واکنشگری (تمایل به واکنش به رفتارهای دیگران به‌جای عمل به شیوه خود) است. این شاخص در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از ۵ (کاملاً موافق) تا ۱ (کاملاً مخالف) قرار دارد. در پژوهش دیر (۲۰۰۴)، ضریب اعتبار آزمون به روش بازآزمایی برای هر

زیرمقیاس به‌ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۹ و ۰/۸۲ و برای کل شاخص ۰/۸۸ گزارش شده است. در ایران، شریفی (۱۳۸۴) در پژوهش روی زنان با روش بازآزمایی، ضریب آلفای کرونباخ کل این شاخص را ۰/۸۷ و برای سه زیرمقیاس به‌ترتیب ۰/۸۸، ۰/۷۵ و ۰/۸۴ به دست آورد. همچنین، در پژوهش مثقالی و همکاران (۱۳۹۳) روایی این شاخص مورد تأیید قرار گرفت. اعتبار ابزار در مقیاس کلی ۰/۷۵ و برای هر زیرمقیاس به‌ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۳ و ۰/۶۴ درصد گزارش شد. در این پژوهش، اعتبار به روش آلفای کرونباخ برای این شاخص ۰/۸۴ به‌دست آمد.

د) پرسشنامه تحریف‌های شناختی (cognitive distortions questionnaire- CDQ): پرسشنامه تحریف‌های شناختی عبدالله‌زاده و سالار (۱۳۸۹) برای سنجش تحریف‌های شناختی در زندگی روزمره طراحی شده و شامل ۲۰ ماده ۵ گزینه‌ای است که براساس مقیاس لیکرت از ۱ (کاملاً موافقم) تا ۵ (کاملاً مخالفم) نمره‌گذاری می‌شود. ماده شماره ۱ معکوس است. فردی که نمره بالاتری کسب می‌کند از تفکر مناسب‌تری برخوردار است و نمره پایین‌تر نشان‌دهنده استفاده بیشتر از تحریف‌های شناختی است. در پژوهش عبدالله و سالار (۱۳۸۹) اعتبار و روایی داخلی است و ضریب آلفای این مقیاس ۰/۸۰ به دست آمد که نشان‌دهنده همسانی درونی مطلوب آن است. در پژوهش حاضر، اعتبار به روش آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰/۸۶ بود.

• یافته‌ها

از شرکت‌کنندگان در پژوهش ۱۵۷ نفر شاغل و ۱۱۳ نفر غیرشاغل بودند. همچنین ۶۳ نفر از این افراد مرد و ۲۰۷ زن بودند. از لحاظ سطح تحصیلات ۲۵ شرکت‌کننده دارای مدرک دکتری، ۴۹ نفر فوق لیسانس، ۱۰۹ نفر دارای مدرک لیسانس، ۸۷ نفر دیپلم و زیردیپلم بودند. ۷۲ نفر از شرکت‌کنندگان گزارش کردند فرزندی ندارند، و ۵۵ نفر یک فرزند، ۱۰۹ نفر دو فرزند و درنهایت ۳۴ نفر بیش از ۲ فرزند داشتند.

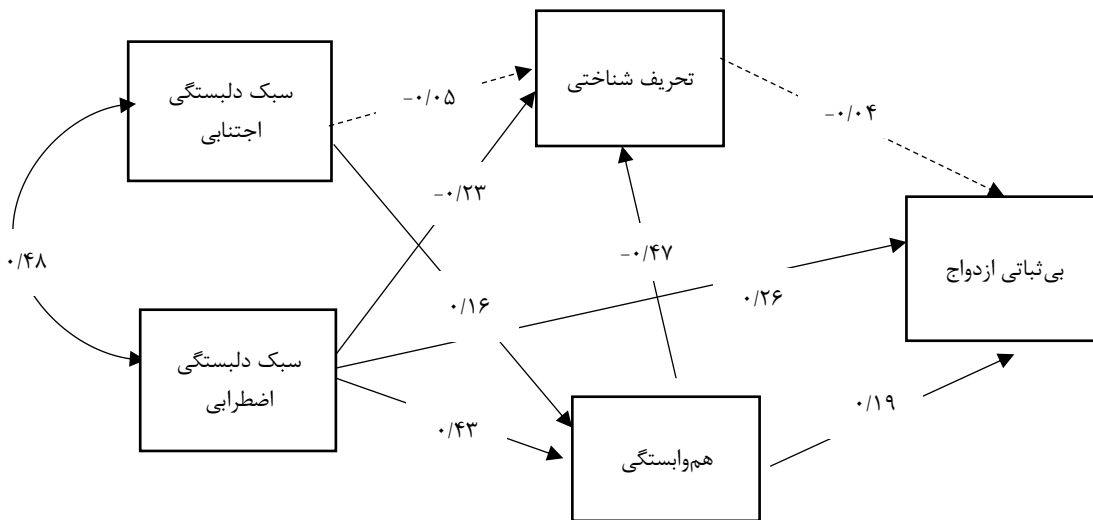
در ادامه میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش و نیز همبستگی بین این متغیرها در جدول ۱ آورده شد. جدول ۱ نشان‌دهنده این است که بی‌ثباتی ازدواج با هم‌وابستگی (۰/۳۴)، تحریف شناختی (-۰/۲۸)، سبک دلبستگی اضطرابی (۰/۳۷+) و سبک دلبستگی اجتنابی (-۰/۱۳) و همچنین تحریف شناختی با هم‌وابستگی (-۰/۶۰)، سبک دلبستگی اضطرابی (-۰/۴۹) و سبک دلبستگی اجتنابی (-۰/۳۳) رابطه معنادار دارد. همچنین بین هم‌وابستگی و دلبستگی اضطرابی (-۰/۵۰) و اجتنابی (۰/۴۷) رابطه معنادار وجود داشت. لازم به ذکر است تمامی ضرایب همبستگی غیر از رابطه بین بی‌ثباتی ازدواج و دلبستگی اجتنابی که در سطح $p < ۰/۰۵$ معنادار بود، در سطح $p < ۰/۰۱$ معنادار بودند.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

| متغیرها | میانگین | انحراف معیار | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ |
|--------------------|---------|--------------|---------|---------|---------|---------|---|
| ۱. بی‌ثباتی ازدواج | ۱۹/۸۲ | ۵/۷۲ | ۱ | | | | |
| ۲. دلبستگی اضطرابی | ۱۰/۱۶ | ۵/۱۹ | ۰/۳۷** | ۱ | | | |
| ۳. دلبستگی اجتنابی | ۱۱/۶۹ | ۲/۶۴ | -۰/۱۳* | ۰/۴۷** | ۱ | | |
| ۴. هم‌وابستگی | ۳۶/۷۵ | ۹/۴۰ | ۰/۳۴** | -۰/۵۰** | -۰/۳۶** | ۱ | |
| ۵. تحریف شناختی | ۷۱/۷۷ | ۱۲/۷۲ | -۰/۲۸** | -۰/۴۹** | -۰/۳۳** | -۰/۶۰** | ۱ |

* $p < ۰/۰۵$ ** $p < ۰/۰۱$

در ادامه برای آزمون مدل پژوهش شاخص‌های برازش مورد بررسی قرار گرفتند. ضمن اینکه پس از بررسی اولیه به‌منظور برازش بهتر مدل ابتدا مسیر دلبستگی اجتنابی به بی‌ثباتی ازدواج به‌دلیل معنادار نبودن حذف شد. بر اساس نمودار ۲ مسیر سبک دلبستگی اجتنابی به تحریف شناختی و تحریف شناختی به بی‌ثباتی ازدواج غیر معنادار و مسیر سبک دلبستگی اضطرابی به تحریف شناختی $\beta = -۰/۲۳$ ، $p < ۰/۰۰۱$ معنادار بود. همچنین مسیر سبک دلبستگی اضطرابی به هم‌وابستگی $\beta = ۰/۴۳$ ، $p < ۰/۰۰۱$ ، و بی‌ثباتی ازدواج $\beta = ۰/۲۶$ ، $p < ۰/۰۰۱$ و سبک دلبستگی اجتنابی به هم‌وابستگی $\beta = ۰/۱۶$ ، $p < ۰/۰۰۷$ و هم‌وابستگی به بی‌ثباتی ازدواج $\beta = ۰/۱۹$ ، $p < ۰/۰۱$ معنادار بود. درنهایت اینکه مسیر هم‌وابستگی به تحریف شناختی $\beta = -۰/۴۷$ ، $p < ۰/۰۰۱$ معنادار بود.



نمودار ۲. آزمون نهایی مدل پژوهش

در ادامه در جدول ۲ ضرایب اثر مستقیم، غیرمستقیم و اثر کل متغیرهای پژوهش آورده شد. همانطور که در جدول ۲ نشان داده شد، اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل مدل در تمامی مسیرها به جز مسیر مستقیم تحریف شناختی به بی‌ثباتی زناشویی و نیز مسیر غیرمستقیم دلبستگی اجتنابی به بی‌ثباتی زناشویی معنادار بود.

جدول ۲. ضرایب اثر مستقیم، غیرمستقیم و اثر کل متغیرهای پژوهش

| مسیر | اثر مستقیم | اثر غیرمستقیم | اثر کل |
|--|------------|---------------|--------|
| بی‌ثباتی زناشویی <---> دلبستگی اضطرابی | ۰/۲۶۰*** | ۰/۰۹۷ | ۰/۳۵۷ |
| تحریف شناختی <---> دلبستگی اضطرابی | ۰/۲۲۹*** | ۰/۲۰۱- | ۴۳۰/۰- |
| هم‌وابستگی <---> دلبستگی اضطرابی | ۰/۴۲۵*** | ۰/۰۰۰ | ۰/۴۲۵ |
| بی‌ثباتی زناشویی <---> تحریف شناختی | ۰/۰۴۲- | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۴۲- |
| تحریف شناختی <---> دلبستگی اجتنابی | ۰/۰۴۶ | ۰/۰۷۶ | ۰/۱۲۲- |
| هم‌وابستگی <---> دلبستگی اجتنابی | ۰/۱۶*** | ۰/۰۰۰ | ۰/۱۶ |
| تحریف شناختی <---> هم‌وابستگی | ۰/۴۷۳*** | ۰/۰۰۰ | ۰/۴۷۳- |
| بی‌ثباتی زناشویی <---> هم‌وابستگی | ۰/۱۸۷** | ۰/۰۲۰ | ۰/۲۰۶ |

p<0/01, *p<0/001

در ادامه شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده در جدول ۳ ارائه شد. نظر به اینکه مقادیر شاخص‌های CFI، TLI، IFI و GFI ذکر شده در جدول ۳ بیشتر از ۰/۹۰ و شاخص RMSEA ۰/۰۸ بود می‌توان گفت مدل نهایی پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار است.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل

| شاخص‌ها | χ^2/df | RMSEA | CFI | RFI | IFI | GFI | TLI | PARSIMONY |
|---------------------|-------------|-------|------|------|------|------|------|-----------|
| مدل آزمون شده پژوهش | ۲/۷۸ | ۰/۰۸ | ۰/۹۹ | ۰/۹۲ | ۰/۹۹ | ۰/۹۹ | ۰/۹۴ | ۰/۱۰ |

• بحث

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش میانجی هم‌وابستگی و تحریف شناختی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی ناایمن (اضطرابی و اجتنابی) و بی‌ثباتی ازدواج در میان افراد متأهل شهر یزد انجام شد. یافته‌های مربوط به تحلیل مسیر نشان داد که مدل پیشنهادی پس از اصلاحات لازم، از برازش مناسبی برخوردار است. به‌طور خاص، سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی با بی‌ثباتی ازدواج رابطه مثبت و معنادار داشتند، که این یافته با اصول نظریه دلبستگی بالبی (۱۹۶۹) هم‌خوانی دارد، جایی که سبک‌های ناایمن به‌عنوان الگوهای تعاملی پایدار ناشی از تجربیات اولیه، به ناکارآمدی در روابط بزرگسالی منجر می‌شوند (هاو و بتس، ۲۰۲۳).

مسیر غیرمستقیم سبک دلبستگی اجتنابی به بی‌ثباتی ازدواج از طریق تحریف شناختی غیرمعنادار بود، درحالی‌که رابطه مستقیم دلبستگی اضطرابی با تحریف شناختی و بی‌ثباتی ازدواج معنادار مشاهده شد. این نتایج با پژوهش‌های پیشین همسو است که نشان‌دهنده تأثیر منفی دلبستگی اضطرابی بر کیفیت روابط عاشقانه هستند (کنیز و همکاران، ۲۰۲۰؛ چیس و همکاران، ۲۰۲۲؛ بوتار و همکاران، ۲۰۲۲؛ بدایر و همکاران، ۲۰۲۰؛ اجسی و جنکوز، ۲۰۱۱؛ بانسی، ۲۰۰۴). افراد با دلبستگی اضطرابی اغلب با ترس از طرد شدن و نیاز به اطمینان‌جویی مداوم مواجه هستند، که این امر می‌تواند چرخه‌های منفی تفسیر رویدادها را فعال کند (سیمپسون و رولز، ۲۰۱۷). با این حال، نبود میانجی‌گری تحریف شناختی در رابطه با بی‌ثباتی ازدواج با یافته‌های برخی مطالعات ناهمسو است (مهدوی و حاتمیان، ۱۳۹۷؛ غائبی پناه و کشاورزی، ۱۳۹۹؛ تیکداری‌نژاد و خضری مقدم، ۲۰۱۷؛ آیدین و آک‌گون، ۲۰۲۱؛ و قاسمی و همکاران، ۲۰۲۱)، که ممکن است به دلیل تمرکز این پژوهش بر جنبه‌های شناختی کلی به جای الگوهای خاص تعارضی باشد. از منظر شناختی - رفتاری، افراد اجتنابی ممکن است از پردازش‌های تحریفی کمتر استفاده کنند، زیرا تمایل به کناره‌گیری عاطفی دارند که فرصت ارزیابی واقع‌بینانه‌تر را فراهم می‌کند (شیمشک و همکاران، ۲۰۲۱). این یافته پیشنهاد می‌کند که دلبستگی اجتنابی ممکن است از طریق مکانیسم‌های دیگری مانند سرکوب نیازها (اورال و همکاران، ۲۰۲۲) بر بی‌ثباتی تأثیر بگذارد، بدون اینکه تحریف شناختی نقش کلیدی ایفا کند.

درمقابل، هم‌وابستگی نقش میانجی معناداری در رابطه بین هر دو سبک دلبستگی نایمن و بی‌ثباتی ازدواج ایفا کرد. این نتیجه با پژوهش‌هایی که رابطه مثبت بین سبک‌های نایمن و هم‌وابستگی را گزارش کرده‌اند، همخوانی دارد (شاهپرونیان، ۲۰۲۲؛ چنچ و بات، ۲۰۲۲؛ فرشام و همکاران، ۱۳۹۳؛ و کلینز، ۲۰۲۳). افراد با دلبستگی اضطرابی اغلب الگوهای هم‌وابسته‌ای مانند تمرکز بیش از حد بر نیازهای شریک و نادیده گرفتن خود را نشان می‌دهند، که این امر به چرخه‌های رنج‌آور در روابط منجر می‌شود (کاپلان، ۲۰۲۳؛ و هپ و همکاران، ۲۰۲۲). به‌طور مشابه، دلبستگی اجتنابی ممکن است با هم‌وابستگی منفی همراه باشد، زیرا افراد اجتنابی در پذیرش اشتباهات شریک مشکل دارند و درک عاطفی ضعیفی نشان می‌دهند (گووین و همکاران، ۲۰۲۵؛ دیر و همکاران، ۲۰۰۴). این میانجی‌گری تأکید می‌کند که هم‌وابستگی به‌عنوان یک الگوی رفتاری پایدار، ناشی از تجربیات اولیه ناکارآمد خانواده، می‌تواند بی‌ثباتی را تشدید کند (کلنوا و همکاران، ۲۰۲۴).

از منظر نظری، این یافته‌ها از مدل‌های یکپارچه دلبستگی و شناختی حمایت می‌کنند، جایی که سبک‌های نایمن نه تنها مستقیماً بر ثبات روابط تأثیر می‌گذارند، بلکه از طریق سازه‌های میانجی مانند هم‌وابستگی، چرخه‌های منفی را تداوم می‌بخشند (پلوکین و همکاران، ۲۰۲۲؛ رضایی و همکاران، ۱۴۰۳). با این حال، نبود میانجی‌گری تحریف شناختی پیشنهاد می‌کند که در جمعیت‌های ایرانی، عوامل عاطفی - رفتاری (مانند هم‌وابستگی) ممکن است بر عوامل شناختی غلبه کنند، که این امر نیاز به بررسی فرهنگی دارد (شیری و همکاران، ۱۴۰۳؛ ریحانی و همکاران، ۱۳۹۵).

در این پژوهش روش نمونه‌گیری در دسترس و تمرکز بر جمعیت شهری یزد بود که ممکن است تعمیم‌پذیری به جمعیت‌های روستایی یا فرهنگی متنوع‌تر را محدود کند. همچنین داده‌ها خودگزارشی است و ممکن است تحت تأثیر سوگیری‌های اجتماعی قرار گیرد. همچنین نبود استفاده از داده‌های زوجی (dyadic) جنبه‌های تعاملی را نادیده می‌گیرد، که این مورد در مطالعات آینده می‌تواند با مدل‌های وابستگی بازیگر-شریک بهبود یابد. در نهایت، تمرکز بر دو سبک نایمن بدون بررسی کامل سبک ایمن ممکن است تصویر کاملی ارائه ندهد.

براساس یافته‌ها می‌توان پیشنهاد داد که مداخلات درمانی مانند درمان هیجان‌مدار زوجی (EFCT) به منظور کاهش هم‌وابستگی و تعدیل سبک‌های نایمن برای زوج‌ها انجام شود (اورال و همکاران، ۲۰۲۲؛ پلوکین و همکاران، ۲۰۲۲). پژوهش‌های آینده می‌توانند مطالعات طولی برای بررسی تغییرات زمانی، یا مدل‌های زوجی برای تحلیل تعاملات دوجانبه را در نظر بگیرند.

• نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که سبک‌های دلبستگی نایمن از طریق هم‌وابستگی، اما نه تحریف شناختی، به بی‌ثباتی ازدواج کمک می‌کنند، که این نشان‌دهنده اهمیت الگوهای عاطفی - رفتاری در روابط زوجی است. این یافته‌ها با نظریه دلبستگی همخوانی دارند و پیشنهاد

می‌کنند که هم‌وابستگی به‌عنوان یک عامل کلیدی، می‌تواند هدف مداخلات پیشگیرانه و درمانی قرار گیرد تا ثبات روابط را افزایش دهد. با توجه به تأثیر پایدار تجربیات اولیه، تمرکز بر آموزش والدین و درمان‌های زوجی می‌تواند به کاهش بی‌ثباتی در جوامع مشابه کمک کند. پژوهش‌های آتی می‌توانند بر طراحی‌های طولی و زوجی تمرکز کنند تا مکانیسم‌های دقیق‌تر را روشن سازند.

• تضاد منافع

بدین‌وسیله نویسندگان اظهار می‌دارند در این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

• تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله پژوهشگران از تمام افراد شرکت‌کننده در این پژوهش و همکار گرامی خانم زینب کریمیان کمال تشکر و قدردانی را دارند.

• منابع

اربابی، فائزه؛ سراوانی، شهرزاد؛ زینلی‌پور، مژگان؛ و هاشمی‌سنجانی، امیر (۱۴۰۱). اثربخشی ذهن‌آگاهی مبتنی بر شناخت‌درمانی بر بهزیستی روان‌شناختی، کیفیت زندگی و تاب‌آوری در زوجین با تعارضات زناشویی. *مجله روان‌شناسی*، ۲۶(۲)، ۱۴۰-۱۴۹.

<https://www.magiran.com/paper/2498701>

پاک‌دامن، شهلا (۱۳۸۳). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانان. *مجله علوم روانشناختی*، ۳(۹)، ۲۵-۴۷.

ثناپی، باقر (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.

رضایی، منوچهر؛ اسدپور، اسماعیل؛ احمدی، صدیقه؛ و ایزانلو، بلال (۱۴۰۳). ارزیابی نقش تعدیل‌کننده سبک‌های دلبستگی در رابطه بین پاسخگویی ادراک‌شده همسر و صمیمیت زناشویی. *مجله روان‌شناسی*، ۲۸(۳)، ۲۶۵-۲۷۳. <https://www.magiran.com/paper/273-265>. ۲۵۰۱۲۳۴.

ریحانی، رضا؛ سلیمانیان، علی‌اکبر؛ و نظیفی، مرتضی (۱۳۹۵). پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج براساس مهارت‌های تنظیم هیجانی و سبک‌های هویتی.

<https://www.sid.ir/paper/76-60>، ۶(۱)، مشاوره، ۶۰-۷۶. <https://www.sid.ir/paper/76-60>

شریفی، شادی (۱۳۸۴). مقایسه میزان هم‌وابستگی در زنان با نقش‌های جنسیتی گوناگون (زنانه، مردانه، دوجنسیتی، نامتمايز). زن در توسعه و

سیاست، ۳(۱)، ۴۹-۶۷. <https://www.magiran.com/paper/67-49>. ۲۳۰۴۵۶.

شیری، طاهره؛ رسولی، محسن؛ زهراکار، کیانوش؛ و اسدپور، اسماعیل (۱۴۰۳). نقش واسطه‌ای بخشش در رابطه بین اسنادهای رابطه‌ای و کیفیت

زناشویی زنان مواجه با پیمان‌شکنی همسر. *مجله روان‌شناسی*، ۲۸(۴)، ۳۸۶-۳۹۳. <https://www.magiran.com/paper/393-386>. ۲۵۴۳۲۱۰.

عبداله‌زاده، حسن؛ و سالار، مریم (۱۳۸۹). ساخت و هنجاریابی پرسشنامه تحریف‌های شناختی. تهران: موسسه آزمون‌یار پویا.

غائبی‌پناه، ماریا؛ و کشاورزی‌ارشدی، فرناز (۱۳۹۹). رابطه سبک‌های عشق‌ورزی و تحریف‌های شناختی با طلاق عاطفی در زنان. *روان‌شناسی*

خانواده، ۷(۲)، ۴۷-۶۰. <https://www.sid.ir/paper/60-47>. <https://www.sid.ir/paper/60-47>

فخری، مریم‌السادات؛ مهدویان‌فرد، راحله؛ و کیمیایی، سیدعلی (۱۳۹۷). پیش‌بینی احتمال طلاق زنان براساس دلبستگی اجتنابی، دلبستگی اضطرابی

و مهارت حل مسئله خانواده. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۹(۳۳)، ۲۰۷-۲۲۲.

<https://www.magiran.com/paper/1987654>

فرشام، آیدا؛ مبصری، مهسا؛ و داوودی، ایران (۱۳۹۳). رابطه هم‌وابستگی با افسردگی و سبک‌های دلبستگی در دانشجویان دختر. فصلنامه شخصیت

و تفاوت‌های فردی، ۳(۵)، ۴۷-۶۱. <https://www.sid.ir/paper/61-47>. <https://www.sid.ir/paper/61-47>

متقالی، شیوا؛ آقایی، اصغر؛ و قربانی، مریم (۱۳۹۳). مقایسه هم‌وابستگی و رضایت زناشویی زنان متأهل عادی و در شرف طلاق. دانش و پژوهش

در روان‌شناسی کاربردی، ۱۶(۴)، ۱۶-۱۷. <https://www.magiran.com/paper/16-4>. <https://www.magiran.com/paper/16-4>

مهدوی، سحر؛ و حاتمیان، پیمان (۱۳۹۷). رابطه تحریف‌های شناختی با کیفیت روابط زناشویی در معلمان زن متأهل. *رویش روان‌شناسی*، ۳(۲۴)،

<https://www.sid.ir/paper/92-79>. <https://www.sid.ir/paper/92-79>

Abd El Gaber, A. E. M., Alkousy, A. M. M. A., Yamani, I. B. A. J., & Moussa, Y. M. E. (2025). Attachment style and conflict resolution strategies among married couples in the light of some demographic variables. *Journal of Ecohumanism*, 4(1), 3029-3047. <https://doi.org/10.62754/joe.v4i1.6100>

Aydın, A., & Akgün, B. M. (2021). Interpersonal cognitive distortions and family role performances in spouses during COVID-19 pandemic process in Turkey. *Perspectives in Psychiatric Care*. <https://doi.org/10.1111/ppc.12751>

- Banse, R. (2004). Adult attachment and marital satisfaction: Evidence for dyadic configuration effects. *Journal of Social and Personal Relationships*, 21(3), 273-282. <https://doi.org/10.1177/0265407504042838>
- Başer Baykal, N., & Erden Çınar, S. (2022). Understanding early maladaptive schemas formation with traumatic experiences in childhood: A qualitative study. *Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma*, 32(5), 555-573. <https://doi.org/10.1080/10926771.2022.2079188>
- Baucom, D. H., Epstein, N., Sayers, S. L., & Sher, T. G. (1989). The role of cognitive factors in marital distress and therapy. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 57(3), 373-381. <https://doi.org/10.1037/0022-006X.57.3.373>
- Beck, A. T. (1976). *Cognitive therapy and the emotional disorders*. International Universities Press.
- Booth, A., Johnson, D. R., & Edwards, J. N. (1983). Measuring marital instability. *Journal of Marriage and the Family*, 45(2), 387-394. <https://doi.org/10.2307/351526>
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: Vol. 1. Attachment*. Basic Books.
- Bowlby, J. (1980). *Attachment and loss: Vol. 3. Loss: Sadness and depression*. Basic Books.
- Cermak, T. L. (1986). *Diagnosing and treating codependence*. Johnson Institute Books.
- Chiş, R., Ignat, S., Rad, D., & Macinga, I. (2022). The mediation role of an individual's and couple's psychological factors, including parenting in the prediction of relational and marital satisfaction. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(17), Article 11011. <https://doi.org/10.3390/ijerph191711011>
- Collins, B. N. (2023). *The effects of secure, ambivalent, and avoidant attachment styles on number of codependent behaviors and relationship satisfaction* [Unpublished manuscript].
- Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58(4), 644-663. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.58.4.644>
- Crone, C., Kwok, C., Chau, V., & Norberg, M. M. (2019). Applying attachment theory to indecisiveness in hoarding disorder. *Psychiatry Research*, 273, 318-324. <https://doi.org/10.1016/j.psychres.2019.01.055>
- Dear, G. E. (2004). Test-retest reliability of the Holyoake Codependency Index with Australian students. *Psychological Reports*, 94(2), 482-484. <https://doi.org/10.2466/pr0.94.2.482-484>
- Dear, G. E., & Roberts, C. M. (2000). The Holyoake Codependency Index: Investigation of the factor structure and psychometric properties. *Psychological Reports*, 87(3), 991-1002. <https://doi.org/10.2466/PRO.87.7.991-1002>
- Dear, G. E., Roberts, C. M., & Lange, L. (2004). Defining codependency: A thematic analysis of published definitions. *Counseling and Clinical Psychology Journal*, 1(1), 1-9.
- Edwards, J. N., Johnson, D. R., & Booth, A. (1987). Coming apart: A prognostic instrument of marital breakup. *Family Relations*, 36(2), 168-170. <https://doi.org/10.2307/583939>
- Egeci, S., & Jencoz, T. (2011). The effects of attachment styles, problem-solving skills, and communication skills on relationship satisfaction. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30, 2324-2329. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2011.10.454>
- Feeney, J. A. (1999). Adult romantic attachment and couple relationships. In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications* (pp. 355-377). Guilford Press.
- Ghasemi Varniab, B., Rahmani, M. A., Zarbakhsh Bahri, M. R., & Abolghasemi, S. (2021). Presenting a structural model of marital commitment based on sexual function mediating role of intimacy and interpersonal cognitive distortions. *Qur'an va Tib (Quran and Medicine)*, 6(1), 68-78.
- Gui, T. (2022). Coping with parental pressure to get married: Perspectives from Chinese "leftover women". *Journal of Family Issues*, 44(8), 2118-2137. <https://doi.org/10.1177/0192513X221090781>
- Gauvin, S. E., Maxwell, J. A., Impett, E. A., & MacDonald, G. (2025). Love lost in translation: Avoidant individuals inaccurately perceive their partners' positive emotions during love conversations. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 51(12), 2527-2541. <https://doi.org/10.1177/01461672241258391>
- Happ, Z., Bodó-Varga, Z., Bandi, S. A., Kiss, E. C., Nagy, L., & Csókási, K. (2022). How codependency affects dyadic coping, relationship perception and life satisfaction. *Current Psychology*. Advance online publication. <https://doi.org/10.1007/s12144-022-03178-0>
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52(3), 511-524. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.52.3.511>
- Howe, D., & Betts, L. (2023). *Attachment across the life course: A brief introduction*. Bloomsbury Publishing.
- Kaplan, V. (2023). Mental health states of housewives: An evaluation in terms of self-perception and codependency. *International Journal of Mental Health and Addiction*, 21(1), 666-683. <https://doi.org/10.1007/s11469-021-00702-5>
- Knies, K. M., Bodalski, E. A., & Flory, K. (2020). Romantic relationships in adults with ADHD: The effect of partner attachment style on relationship quality. *Journal of Social and Personal Relationships*, 38(1), 42-64. <https://doi.org/10.1177/0265407520950952>

- Kolenova, A. S., Kukulyar, A. M., Denisova, E. G., & Ermakov, P. N. (2024). Self-attitude and reflection in codependent women: A comparative study. *Psychology in Russia: State of the Art*, 17(1), 116-132. <https://doi.org/10.11621/pir.2024.0109>
- Kreutzer, J. S., Sima, A. P., Marwitz, J. H., & Lukow II, H. R. (2016). Marital instability after brain injury: An exploratory analysis. *Neurorehabilitation*, 38(3), 271-279. <https://doi.org/10.3233/NRE-161318>
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2007). *Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change*. Guilford Press.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2016). *Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change* (2nd ed.). Guilford Press.
- Mulcahy, E., Szymkowiak, D., & Montgomery, A. E. (2021). Psychosocial risk factors for transitions into housing instability among women veterans. *Journal of the American Board of Family Medicine*, 34(2), 387-391. <https://doi.org/10.3122/jabfm.2021.02.200333>
- Najafabadi, Z. P., Alibeigi, N., & Eskandarnia, E. (2021). Comparison of cognitive and emotional schema in women with and without marital satisfaction. *World Journal of Advanced Research and Reviews*, 12(1), 102-110. <https://doi.org/10.30574/wjarr.2021.12.1.0455>
- Overall, N. C., Pietromonaco, P. R., & Simpson, J. A. (2022). Buffering and spillover of adult attachment insecurity in couple and family relationships. *Nature Reviews Psychology*, 1(2), 101-111. <https://doi.org/10.1038/s44159-021-00020-6>
- Péloquin, K., Dutrisac, C., Jean, M., Benoit, Z., Brassard, A., Mondor, J., & Lussier, Y. (2022). Relational instability in couples seeking therapy: The contribution of attachment, caregiving and sex. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 48(8), 804-818. <https://doi.org/10.1080/0092623X.2022.2101320>
- Shahparonyan, Z. (2022). *Domestic violence, attachment and codependency in adult romantic relationships in Armenian-Americans* [Doctoral dissertation, Alliant International University].
- Shahzad, F., Bilal, A., & Arif, M. (2024). Impact of childhood trauma and attachment styles on marital satisfaction. *Human Nature Journal of Social Sciences*, 5(2), 235-247. <https://doi.org/10.71016/hnjss/tj5mra58>
- Simpson, J. A., & Rholes, W. S. (2017). Adult attachment, stress, and romantic relationships. *Current Opinion in Psychology*, 13, 19-24. <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2016.04.006>
- Şimşek, O. M., Koçak, O., & Younis, M. Z. (2021). The impact of interpersonal cognitive distortions on satisfaction with life and the mediating role of loneliness. *Sustainability*, 13(16), Article 9293. <https://doi.org/10.3390/su13169293>
- Tikdari Nejad, A., & Khezri Moghadam, N. (2017). Relationship between irrational beliefs and marital conflicts in couples based on rational-emotive behavior therapy. *Journal of Patient Safety & Quality Improvement*, 5(2), 526-530. <https://doi.org/10.22038/psj.2017.8546>
- Whitton, S. W., Stanley, S. M., & Markman, H. J. (2007). If I leave, will you follow? Longitudinal effects of premarital doubt on marital quality and stability. *Journal of Family Psychology*, 21(2), 147-157. <https://doi.org/10.1037/0893-3200.21.2.147>